# فهرست مطالب:

[فهرست مطالب: 1](#_Toc425556283)

[خطبه اول 2](#_Toc425556284)

[ادامه تفسیر سوره‌ی تبت 2](#_Toc425556285)

[آمدن اسم ابولهب و مورد لعن و نفرین قرارگرفتن 3](#_Toc425556286)

[عموهای پیامبر 3](#_Toc425556287)

[استفاده از نسب قومی، در اسلام جایی ندارد 4](#_Toc425556288)

[شأن نزول سوره تبت 4](#_Toc425556289)

[اتفاقاتی که در جلسه دعوت خویشان افتاد 5](#_Toc425556290)

[معنای «تبّ» در لغت 6](#_Toc425556291)

[پیشگویی این آیه 7](#_Toc425556292)

[اموال و ثروت باعث بی‌نیازی نخواهد شد 8](#_Toc425556293)

[دعا 8](#_Toc425556294)

[خطبه دوم 9](#_Toc425556295)

[طرح سوادآموزی برای کاهش بی‌سوادی 9](#_Toc425556296)

[موفقیت‌های سال جاری آموزش و پرورش میبد 10](#_Toc425556297)

[هفته‌ی کتاب و کتاب‌خوانی 11](#_Toc425556298)

[دعا 12](#_Toc425556299)

# خطبه اول

**الحمدلله رب العالمین بارء الخلائق الاجمعین؛ ثم صلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا ابی القاسم محمد، و علی آله الاطیبین الأطهرین، سیّما بقیة الله فی الارضین؛ اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم**

**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لاَ تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ،[[1]](#footnote-1) عبادالله اوصیکم و نفسی بتقوالله و ملازمة امره مجانبة نهیه و تجهّزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزوّدوا فإنّ خیر الزاد التقوا.**

همه‌ی شما نمازگزاران گرامی را به تقوی و پارسایی و پرهیزکاری سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم خداوند به همه‌ی ما توفیق استمرار بر پیام و محتوای ماه مبارک رمضان در طول سال و حفظ و صیانت از تقوا و پرهیزکاری عنایت و کرامت بفرماید.

# ادامه تفسیر سوره‌ی تبت

در تفسیر سوره‌ی تبت بحث می‌کردیم قبل از ماه مبارک رمضان، و در ماه مبارک رمضان به تفسیر سوره‌ی قدر پرداختیم، گفتیم که در سوره‌ی تبت که گاهی هم به‌عنوان سوره‌ی لهب نامیده می‌شود به‌طور خاص خداوند یکی از نزدیکان پیامبر، که از دشمنان پیامبر بود را مورد لعن و مذمت و نکوهش قرار داده است. در قرآن کریم ما کمتر مواردی را می‌بینیم که از کسی نام‌برده باشد و به‌صورت خاص و مشخص و ریز به کسی، نام کسی در قرآن آمده باشد،

# آمدن اسم ابولهب و مورد لعن و نفرین قرار گرفتن

در قرآن خیلی نادر اسم کسی آمده است که مورد لعن و نفرین قرار گیرد. اما اسم پاکان و نیکان، انبیا تعدادی آمده است. حدود بیست‌وچند نام انبیا در قرآن آمده است. یکی از مواردی که اسامی انسان‌های کافر آمده است؛ همین نام ابولهب، عموی پیامبر است؛ که یک سوره در شأن او و همسرش نازل‌شده است. آن‌ها را لعن و نفرین کرده و وعده‌ی عذاب و عقاب الهی برای آن‌ها در این سوره نازل‌شده است. از خصوصیات این سوره است که به‌طور خاص در مورد ابولهب نازل‌شده است.

نکته دیگر این است که ابولهب عموی پیامبر (ص) است. البته از عموهای ناصالح پیامبر بوده است. خداوند بدون هیچ رودربایستی و ملاحظه‌ای او را مورد نکوهش و مذمت قرار داده است.

# عموهای پیامبر

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) عموهای متعددی داشتند، عبدالمطلب حدود ده پسر داشت و چهار نفرشان شناخته‌شده‌ترند که در زمان بعثت پیامبر حضور داشتند. این چهار نفر هرکدام یک خصوصیاتی داشتند، یکی حمزه سیدالشهداست، و تعریف‌های زیادی درباره‌ی او از زبان پیامبر گرامی اسلام نقل‌شده است. یکی ابوطالب است که پدر امیرالمؤمنین و از چهره‌های ممتاز و برجسته‌ای است که پیامبر گرامی اسلام به او خیلی علاقه داشت و هم از کمک‌های او خیلی بهره‌مند بود. عموی بعدی، عباس است که عباس ازنظر مراتب فضل و ایمان و جهاد درراه خدا در درجه‌ی بعد قرار می‌گیرد. و این سه نفر از نیکان بودند، به‌خصوص حمزه و ابوطالب که جایگاه خیلی بالایی داشتند. یکی از عموهای پیامبر ابولهب است، که اسمش عبد العزی بوده است. بنا بر بعضی اقوال یا وی لقب ابولهب داشته است یا اینکه قرآن این لقب را به وی داده است. ابولهب به معنای پدر آتش.

وی آن‌قدر پیامبر(ص) را مورد آزار و اذیت قرار داده است، آن‌قدر کینه و عداوت نسبت به اسلام و مسلمانان داشته است، که قرآن اسم وی را به‌عنوان کسی که مورد عذاب قرار می‌گیرد آورده است.

# استفاده از نسب قومی، در اسلام جایی ندارد

درسی است که از سوره‌ی تبت می‌گیریم و در تعالیم اسلام است؛ این است که در اسلام قومیت و نسبت خویش و قومی و امثال این‌ها، اثر قطعی در سعادت و رستگاری یا شقاوت انسان ندارد. البته کسی در خانه‌ی خوبی پرورش پیدا بکند،مؤثر است، یا اگر کسی در تربیت بد و در دامن ناپاکی رشد پیدا بکند؛ این مؤثر است در اینکه در مسیر خلاف قرار بگیرد، اما هیچ‌وقت این‌ها قاعده‌ی کلی نیست.

در قرآن و تاریخ نیز موارد زیادی آمده است از کسانی که در خانه‌های خوب پرورش یافتند اما ناصالح شدند. بالعکس هم همین‌طور، خانه‌های ناصالحی که از درون آن‌ها انسان‌های پاک و ممتاز و برجسته‌ای بیرون آمدند؛ ازاین‌جهت است که وظیفه‌ی خانه و خانواده این است که تلاش بکند فرزندان خوبی را تربیت بکند، ولی هیچ‌وقت نمی‌تواند کسی مغرور بشود به اینکه من در خانه‌ی خوبی بودم.

عموی پیامبر و از نزدیکان پیامبر آن‌قدر در مسیر خلاف پیش می‌رود که در نکوهش و مذمت او یک سوره نازل می‌شود.

# شأن نزول سوره تبت

**وَ انذُر عَشِیرَتِکَ الاَقرَبین[[2]](#footnote-2)،** بنا بر بعضی اقوال،این آیه در سال سوم نازل شد، یعنی تا چند سال دعوت پیامبر دعوت مخفیانه بود. بعد از سه سال، آیه نازل شد که دعوتت را عمومی بکن.

 اولین گام در عمومیت بخشیدن به دعوت پیامبر و دعوت عام پیامبر این بود که **وَ انذُر عَشِیرَتِکَ الاَقرَبین** ؛ اقوامت را فرابخوان! برای اینکه آن‌ها را به اسلام و توحید دعوت بکنی.

 بنابر بعضی اقوال، در پای کوه صفا، نزدیکان و اقوامش را جمع کرد و در همان‌جا از مردم سؤال کرد که من را به امانت‌داری و درستکاری و درست‌گویی قبول دارید یا نه؟ همه گفتند: بله، فرمودند: اگر من به شما بگویم که پشت این کوه دشمنی است که می‌خواهد به شما حمله بکند، شما این را می‌پذیرید؟ گفتند: بله، ما شمارا به این درست‌گویی و درستکاری قبول داریم. بعد فرمودند: اگر این‌طور است من شمارا انذار می‌کنم به یک عذاب الهی که اگر در مسیر توحید و عمل صالح قرار نگیرید آن عذاب خدا شمارا تهدید می‌کند.

یکی از کسانی که در این جلسه در برابر پیامبر (ص) مقاومت کرد، ابولهب عمومی پیامبر بود.

# اتفاقاتی که در جلسه دعوت خویشان افتاد

در این جلسه دو نکته‌ی تاریخ وجود دارد:

1. عموزاده‌ی پیامبر (ص)، نوجوان 13 ساله‌ای به نام علی بن ابیطالب (ع) در این جمع خویشان و اقوام پیامبر، درخواست و به پیامبر ایمان آورد، (قبل از آن‌هم ایمان آورده بود).
2. ابولهب عموی پیامبر که همان‌جا تعبیرش این بود که تبّاً لک؛ وای بر تو، مرگ بر تو معاذ الله، این تعبیر را خطاب به پیامبر کرد و به مردم گفت این دروغ می‌گوید، گفت تبّاً لک؛

راوی می‌گوید من دیدم در کوچه‌های مکّه پیامبر گرامی اسلام راه می‌رفت و مردم را به توحید و رسالت خودش دعوت می‌کرد و می‌دیدم که عموی او پشت سر او راه می‌رود و به پیامبر بدگویی می‌کند و همه‌جا اعلام می‌کند که این دروغ‌گوست. دیدم که عموی پیامبر (ص) پشت سر پیامبر می‌رود، تا دعوت رسول خدا (ص) را خنثی بکند و جلوی ایمان دیگران را به پیامبر خدا (ص) بگیرد.

 این کاری بود که ابولهب به‌صورت شغلش درآمده بود؛هدف اصلی خود را مقابله با پیامبر(ص) و خنثی کردن تبلیغ پیامبر(ص) قرار داده بود.

در کنار او، همسرش بود به نام ام جلیل که خواهر ابوسفیان است. زنش از زن‌هایی بود که همراه با شوهرش در مقابله‌ی با پیامبر (ص) و مواجهه‌ی با دعوت و رسالت پیامبر گرامی اسلام(ص) از هیچ امری فروگذار نمی‌کرد، دائم در تبلیغ بر ضد پیامبر (ص) تلاش می‌کرد؛ تا آنجایی که در تاریخ نقل‌شده و از خود این آیات هم استفاده می‌شود که یکی از کارهایی که‌ام جمیل می‌کرد این بود که خار و خاشاک جمع می‌کرد، در مسیری که پیامبر گرامی اسلام عبور می‌کردند می‌ریختند؛ تا پای پیامبر(ص) آسیب ببیند.

 این زن و شوهر، کارشان مقابله‌ی با پیامبر بود و کینه‌توزی شدید علیه پیامبر (ص) داشتند. این کینه‌توزی هم به‌صورت تبلیغات زبانی، هم به‌صورت آزار و اذیت جسمانی بروز پیدا می‌کرد.

در این شرایط، برای توبیخ این دو زن و شوهر و همچنین برای عبرت دیگران و برای اعلام هشدار به دیگران، این سوره‌ی کوتاه در مکه نازل شد.

**تَبَّتْ یدَا أَبِی لَهَبٍ وَتَبَّ[[3]](#footnote-3)** ؛ بریده باد دستان ابولهب و در زیان و خسران باد این مرد مشرکی که همه‌ی وجود خودش را وقف مقابله‌ی با اسلام کرده، تا عبرتی باشد برای همه‌ی کسانی که در برابر رسالت رسول خدا مقابله و مواجهه می‌کنند. این آیه‌ی اول نفرین و نکوهشی است خطاب به خود ابولهب؛ در آیات بعد عذابی را به او وعده می‌دهد و در پایان هم همین نفرین را به زن او ام‌جمیل سرایت می‌دهد.

# معنای «تبّ» در لغت

**تَبَّتْ یدَا أَبِی لَهَبٍ وَتَبَّ** منظور از **«تَبّ»** در لغت چند مورد است، تقریباً معنایی که برایش ذکر شده به هم نزدیک است، در بعضی از کلمات اهل لغت آمده که تبِّ به معنای زیان کردن و خسران است. در بعضی لغات به معنای هلاکت و نابودی است، همچنین به معنای ناامیدی است، یا به معنای خالی بودن از خیر و نیکویی نیز آمده است. هر چهار معنا تقریباً به هم نزدیک است.

**اگر تَبَّتْ یدَا أَبِی لَهَبٍ** را به معنای اول بگیریم؛ یعنی ابولهب زیان کرد، معنای دوم این است که او نابود خواهد شد، معنای سوم این است که ناامید خواهد شد (با توجه به اینکه تمام تلاش خود را برای مقابله با اسلام کرده است؛اما ناامید می‌شود) و در معنای چهارم نیز یعنی ابولهب از هر خوبی و پاکی تهی و خالی است.

در این آیه می‌فرماید که دستان او قطع باد. منظور از دست این است که دست عامل قدرت و فعالیت انسان است؛ یکی از اعضایی است که باعث پیشرفت و فعالیت انسان است.

البته درباره‌ی امیرالمؤمنین(ع) نیز آمده که او ید اللّه است، یعنی مظهر قدرت خداست. دست مظهر قدرت و توانایی انسان است، در این آیه می‌فرماید که مرده باد، زیانکار باد، نومید باد دست‌های ابولهب! یعنی قدرت ابولهب و امکاناتی که ابولهب برای خودش جمع کرده است، نابود باد! وقتی می‌گوید دست‌های او نابود باد؛ یعنی قدرت، تلاش، فعالیتش نابود باد و نومید باد؛

# پیشگویی این آیه

این آیات در مکه نازل شده است؛ یعنی زمانی که دعوت پیامبر (ص) رشدی پیدا نکرده است.

پیامبر(ص) و اصحاب ایشان در اقلیت محدودی قرار دارند؛ قدرت جزیرة‌العرب در دست ابولهب و همفکران و هم‌مسلک‌هایش است. این سوره از سوره‌هایی است که یک واقعیت را پیشگویی کرده است.

 همان‌طور که گفتیم، در این آیه اشاره می‌کند به قطع ید (قدرت و فعالیت) ابولهب و همچنین او را نوید می‌دهد به نابودی و تباهی. کسی مثل ابولهب سعادت ابدی خودش را به خاطر مقابله‌ی با اسلام از دست می‌دهد، درحالی‌که می‌توانست این اقدامات و امکانات و نیروهایش را در خدمت اسلام قرار بدهد و سعادت ابدی را برای خودش کسب بکند.

# اموال و ثروت باعث بی‌نیازی نخواهد شد

خداوند در ادامه می‌فرماید:**مَا أَغْنَی عَنْهُ مَالُهُ وَمَا کسَبَ[[4]](#footnote-4)** مال و اعمالی که او به دست آورده بود و امکاناتی که جمع کرده بود او را بی‌نیاز نخواهد کرد. آدم‌ها به ثروت، نشاط، سلامتی، امکانات خودشان مغرور می‌شوند و این‌ها را از خود می‌دانند این عمل و فکر یک گناه است.

**کلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَیطْغَی\* أَن رَّآهُ اسْتَغْنَی[[5]](#footnote-5)** وقتی‌که انسان خودش را بی‌نیاز دید، امکانات و نعمت‌های الهی را جدای از خدا دید و فکر کرد مال خودش هست، آغاز راه بدبختی و هلاکت و نابودی‌اش است. و از این بدتر این است که این امکانات خدادادی را در برابر خدا به کار بگیرد.

این‌که انسان، نعمت‌های خدا را از آن خود بداند،گناه بزرگی است، اما گناه نابخشودنی‌تر آن است که انسان تمام امکانات را علیه راه حق و خداوند استفاده بکند.

بنا بر آیه دوم؛ اموالی که ابولهب و ام جمیل اندوختند و آن را در برابر پیامبر هزینه کردند، ایشان را بی‌نیاز نخواهد کرد.

# دعا

خدایا تو را به مقربان درگاهت سوگند می‌دهیم که به ما توفیق استفاده‌ی درست از نعمت‌های خود عنایت بفرما! ما را از مقابله‌کنندگان با راه حق و اسلام و حقیقت اسلام قرار مده، ما را از سربازان اسلام مقرر بفرما!

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**تَبَّتْ یدَا أَبِی لَهَبٍ وَ تَبَ (1)مَا أَغْنَی عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا کَسَبَ (2) سَیصْلَی نَاراً ذَاتَ لَهَبٍ (3) وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (4) فِی جِیدِهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (5) صدق الله العلی العظیم**

# خطبه دوم

**عوذ بالله اعوذ بالله سمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین و صل الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد؛ و صلّ وسلّم علی علیٍ امیرالمؤمنین و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء، و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة؛ اللهم صل علی ائمة المؤمنین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر؛ حججک علی عبادک و امنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امنا الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

همه‌ی شما خواهران و برادران نمازگزار و خودم را به تقوی و پارسایی و ادامه دادن به روح و محتوای ماه مبارک رمضان در این ایام سفارش و دعوت می‌کنم؛ امیدواریم خداوند به همه‌ی ما توفیق باقی ماندن بر همان روحیه‌ای که در ماه مبارک کسب کرده‌ایم عنایت بفرماید و همه‌ی ما را از بندگان خودش قرار بدهد و اعمال و عبادات همه‌ی ما را به درگاه خودش قبول بفرماید.

چند مطلب را به‌صورت فهرست‌وار عرض می‌کنم:

# طرح سوادآموزی برای کاهش بی‌سوادی

طرح نهضت سوادآموزی برای کاهش بی‌سوادی و محو بی‌سوادی است. استان ما از استان‌هایی است که درصد باسوادی آن بسیار بالاست و در طول سال‌های گذشته، نهضت سوادآموزی و آموزش‌وپرورش در سطح استان و در تأمین سواد و گسترش آن، قدم‌های بزرگی برداشته و درصد بالایی را به دست آورده است. باسوادی مرکز استان در حدود 90 درصد است؛ (6 سال به بالاها)، شهر ما با یک نیم درصدی تقریباً تفاوت با هشتادونه و نیم درصد باسوادی دارد، و این افتخاری است که ارزشمند است.

 50 نفر آموزشیار در طول این سال‌ها، از خواهران و برادران، در سربازان این سوادآموزی بودند که قدم‌های خوبی برداشتند.

وضعیت باسوادی در منطقه وضعیت مناسبی است، هم‌مرکز استان وضع خیلی خوبی دارد، هم شهر ما و در رتبه‌ی بعد هم بعضی شهرها وضعیت مناسبی دارند، این اقدامی که انجام‌شده درخور تقدیر و تشکر است.

حدوداً دو هزار نفر بی‌سواد دیگر داریم، این‌ها اکثراً پایین 50 سال سن دارند. این امر در شورای آموزش‌وپرورش مطرح شد و مورد تأکید قرار گرفت. مسئولان اعلام کردند ما آماده‌ایم که طرح جدیدی اجرا بشود و با یک بسیج همگانی و عزم عمومی در منطقه تلاش بکنیم که بی‌سوادی را تا سنین 50 سال از منطقه محو بکنیم؛ این‌یک اعلامی بود که انجام شد و مسئولان شهر اعلام آمادگی کردند.

خوشبختانه پوشش آموزش‌وپرورش در منطقه صد در صد است، یعنی همه‌ی کسانی که متولد می‌شوند، نهایتاً می‌توانند از طریق آموزش‌وپرورش سواد بیاموزند و مراحل تحصیلی را حداقل ابتدایی را طی بکنند.

تقاضا می‌کنم که مسئولان این طرح محو بی‌سوادی را جدی بگیرند، و آموزشیاران و معلمان هم تلاش بکنند، یک فراخوان عمومی و جدی در محلات و مساجد و خانواده‌ها انجام بگیرد، تا همه به سمت فراگیری سواد حرکت بکنند و ما بتوانیم این درصد بی‌سوادی را به صفر برسانیم.

# موفقیت‌های سال جاری آموزش‌وپرورش میبد

مطلب دوم در بحث موفقیت‌های آموزش‌وپرورش است. طبق آخرین اطلاعاتی که هنوز رسمی اعلام‌نشده، اما تقریباً اطلاعات درست و موثقی است، عرض شود که استان یزد، امثال در پذیرش کنکور و راه یافتن به دانشگاه‌ها رتبه‌ی اول را دارد همچون مثل ده سال گذشته این رکورد را حفظ کرده است؛ و به‌احتمال بسیار قوی منطقه‌ی ما هم در استان رتبه‌ی اول را به لحاظ راه یافتن دانش‌آموزانمان به دانشگاه دارد. و کسانی که مجاز به انتخاب رشته در دانشگاه‌ها بودند 58 درصد اعلام‌شده و این آماری است که با میانگین کشوری خیلی فاصله دارد، در میانگین کشوری، حدود 12 درصد از دانش آموزان مجاز به انتخاب رشته می‌شوند، که جمع زیادی‌شان به دانشگاه‌ها راه پیدا می‌کنند. حداقل مجاز به انتخاب رشته در استان 33 درصد است، و همین‌طور شهرها از 33 درصد شروع می‌شود تا 58 درصد که بیشترین درصد مجاز به انتخاب رشته در منطقه‌ی ما و در شهرستان میبُد است؛

 این افتخاری است که برای معلمان و مربیان و کارکنان آموزش‌وپرورش و برنامه ریزان و مسئولان و همین‌طور خانواده‌ها و دانش‌آموزان ما ثبت‌شده است.

در برابر این اولاً باید سپاسگزار و شاکر خداوند بود. باید تشکر کرد از همه‌ی عزیزانی که برای این رشد تحصیلی در آموزش‌وپرورش و در خانه‌ها، همکاری می‌کنند و تلاش می‌کنند و البته باید تأکید کرد به اینکه نباید به این مغرور شد، بلکه بازهم باید رتبه‌های بیشتر و درصدهای بالاتری به دست آوریم.

در کنار توفیقات علمی و رشد تحصیلی، لحظه‌ای از رشد اخلاقی و تربیتی دانش آموزان در محیط خانه و در محیط اجتماعی نباید غفلت کرد، وظیفه ما این است که برای آینده‌ی کشور در همه‌ی ابعاد به نوجوانان و دانش‌آموزانمان ه توجه بکنیم.

بعد از ورود این افراد به دانشگاه‌ها، باید برنامه‌ریزی برای حفظ معنویت و اخلاق و رشد بیشتر علمی‌شان کنیم.

# هفته‌ی کتاب و کتاب‌خوانی

مطلب سوم مربوط به هفته‌ی کتاب و کتاب‌خوانی است

مهروموم‌های قبل ما چند بار در نماز عید فطر و در چند خطبه از زبان مردم کمبود فضای کتابخانه و جای مطالعه را در شهر عرض کردیم، با توجه به بیش از ده هزار دانشجو و جمعیت زیاد و متراکم منطقه و سطح بالای علمی عرض کردیم که کتابخانه‌های موجود، کتابخانه‌های کوچک و ناقابلی است و پاسخ‌گوی نیاز منطقه و جوان‌های عزیز ما برای مطالعه نیست؛ و این مورد تأکید قرار گرفت.

این پیگیری سال‌ها انجام‌شده است، اما متأسفانه قدم‌های مثبتی از سوی مسئولان برداشته نشده است.

اکنون منطقه‌ای برای احداث کتابخانه در نظر گرفته‌شده است. امیدوارم امسال کار ساختمانی کتابخانه شروع بشود. این پروژه باید به‌عنوان یک پروژه مهم در سطح منطقه موردعنایت قرار بگیرد تا هرچه زودتر ما شاهد تأسیس یک کتابخانه مرکزی و جامعی باشیم.

باید کتابخانه‌های کوچک و متفرق دیگر تقویت بشوند. بخصوص کتابخانه‌های مدارس باید تقویت بشود. خیرین، مسئولین،‌خانواده‌ها باید در این زمینه تلاش و همکاری داشته باشند.

در آینده‌ی نسبتاً دور (10 الی 20 ساله) ما نیاز مبرمی به کتاب و کتاب‌خانه داریم.متأسفانه در کشور فرهنگ کتاب‌خوانی بسیار ضعیف است. برای بالا بردن این فرهنگ باید تلاش کرد.

# دعا

**نسألک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل الاکرم یا الله؛**

**اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصیة و صدق النیة و عرفان الحرمة، اللهم انصر الاسلام و اهله، و اخذل الکفر و اهله،**

خدایا قلوب ما را به انوار معرفت و محبت خودت روشن بفرما؛ ما را از گناهان و معاصی پاک بدار؛ اموات و گذشتگان ما را ببخش؛ ارواح شهدا، روح مطهر امام را با سید و سالار شهدا محشور بفرما، ما را ادامه‌دهنده‌ی راه آنان قرار بده؛ گام‌های ما را درراه خودت استوار بدار، سلام‌های ما را به محضر امام زمانمان حضرت ولی‌عصر ارواحنا له الفدا ابلاغ بفرما، قلب نورانی او را از ما خشنود بدار، همه‌ی ما را از سربازان آن حضرت قرار بده، بر فرج آن حضرت تعجیل بفرما؛

**بسم الله الرحمن الرحیم قُل هُوَ اللّهُ اَحَد اَللّهُ الصَّمَد لَم یَلِد وَ لَم یُولَد وَ لَم یَکُن لَهُ کُفُواً اَحَد؛**

1. آل‌عمران، آیه 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. شعراء،آیه 214 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره مسد، آیه 1 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره مسد، آیه 2 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره علق، آیات 6 و 7 [↑](#footnote-ref-5)